

بایدها و نبایدها در آموزش فشرده زبان فارسی به نوآموزان بزرگسال

شهرزاد شاهدهی

کارشناسی ارشد آموزش فارسی به غیرفارسی زبانان

چکیده

در سال‌های اخیر، به دنبال درخشش چشمگیر ایرانیان در زمینه‌های علمی و هنری خصوصا سینما و جوایز بین‌المللی، توجه دنیا به سمت ایران و فرهنگ ایرانی جلب شده است. از سویی دیگر، در پی تحولات سیاسی و اقتصادی دنیا، تمایل به مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با ایرانیان افزایش یافته و افراد و شرکت‌های بیشتری به کشور وارد می‌شوند و به همین جهت تعداد علاقمندان به یادگیری زبان فارسی رشد چشمگیری داشته است. اما همه‌ی این افراد به قصد یادگیری ادبیات فارسی پای در این راه نمی‌نهند و گاه تنها برای رفع نیازهای خود در مدت اقامتشان در ایران، نیاز به دوره‌های کوتاه مدت و هدفمندی دارند تا بتوانند با اطرافیان خود ارتباط برقرار کنند. به عنوان نمونه تجار و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی نیاز دارند تا متون قراردادها یا مقالات را بخوانند و شخصا در جلسات شرکت کنند و بدون نیاز به مترجم تا حدودی از موضوع بحث آگاه شوند. پزشکان خارجی که در ایران مشغول به کار هستند، برای ارتباط مستقیم با بیماران، نیازمند یادگیری لغات پزشکی و تخصصی به فارسی هستند. همسران این افراد که آن‌ها را همراهی می‌کنند، معمولا علاقمند به یادگیری زبان روزمره آن‌ها در حدی هستند که با همسایگان، مغازه‌داران محل، راننده‌های تاکسی و ... ارتباط برقرار کنند و احیانا از جایی به جای دیگر بروند و تعاملات روزانه خود را انجام دهند. بنابراین به نظر می‌رسد با طیف وسیعی از زبان‌آموزان بزرگسال روبرو هستیم که نیازمند دوره‌های هدفمند و کوتاه مدتی هستند که بتوانند پس از کسب مهارت‌های زبانی لازم، بدون کمک به کارهای روزانه خود رسیدگی نمایند. البته به دلیل محدودیت زمانی و تنوع نیازهای زبان‌آموزان، مدرس زبان فارسی با چالش‌هایی روبروست که در این مقاله مهم‌ترین آن‌ها، به شرح زیر مورد بررسی قرار خواهند گرفت: ۱. کوتاه بودن زمان آموزش و لزوم توجه به جنبه‌های مختلف ایجاد ارتباط موثر؛ ۲. سن، موقعیت شغلی و الگوی یادگیری زبان‌آموز؛ ۳. پیشینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ ۴. تفاوت‌های زبانی و دشواری‌های خط فارسی؛ ۵. دیدگاه‌ها یا تجربه‌های زبان‌آموزان در مورد سطح زندگی و فرهنگ مردم ایران؛ ۶. نیاز به کسب اطلاعات لازم در زمینه‌هایی که مد نظر زبان‌آموزان هستند؛ ۷. محدودیت در زمان تمرین و تکرار.

۱. کوتاه بودن زمان آموزش و لزوم توجه به جنبه‌های مختلف ایجاد ارتباط موثر

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد آموزش فشرده‌ی هدفمند، غالبا مخاطبان بزرگسالی دارد که بیش‌تر می‌خواهند زبان را برای درک منظور دیگران و برقرار کردن ارتباط فرهنگ و تمدن ملل دیگر فراگیرند، نه برای کسب آگاهی‌هایی در مورد ساختار و نظام‌های مختلف زبان (بانان صادقیان: ۷).

این دسته از زبان‌آموزان با توجه به علت حضور خود در ایران معمولا از روش‌های مختلف، اطلاعاتی در مورد زبان و فرهنگ و جامعه ایران به دست آورده‌اند که البته ممکن است لزوما این اطلاعات درست نباشند. بنابراین بررسی و توجه به دیدگاه‌های فردی مخاطب اهمیت به سزایی در پیشرفت و همراهی زبان‌آموز با مدرس خود دارد.

طبیعی است که برخورد اول نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که زبان‌آموز می‌تواند مدرس خود را نمونه‌ی یک ایرانی دانش‌آموخته‌ی بی‌طرف از جهت سیاسی و بدون چشمداشت نسبت به وضعیت مالی یا موقعیت خود

بیابد. بنابراین به جاست که وقت‌شناسی و آداب معاشرت به عنوان قوانین همیشگی، هوشمندانه رعایت شوند و مدرس همواره آراسته و آماده در زمان مقرر، در محل تدریس یا در کلاس برخط (آنلاین) حضور یابد.

چنانچه در آداب معاشرت دو فرهنگ تفاوت خاصی وجود دارد، حتما باید در همان جلسه اول به وضوح برای زبان‌آموز توضیح داده شود. مثلا دست ندادن زن و مرد در ایران که حتی ممکن است برای زبان‌آموز ایجاد سوءتفاهم کند یا در جلسات کاری باعث دردسر یا خجالت وی گردد.

نکته بعدی در این نوع آموزش، **عدم کنجکاوی در زندگی شخصی یا کاری** زبان‌آموز است و به دلیل محدودیت زمان، بهتر است به جای صرف وقت جهت رفع سوءتفاهمات، از همان جلسه اول از بروز آن‌ها پیشگیری کنیم. به همین منظور در جلسه اول توضیح این موضوع لازم و ضروری است که در طول تدریس اگر سوالی پرسیده می‌شود که جنبه‌ی شخصی دارد، صرفا جهت ایجاد ارتباط و تسلط بر موضوع درس خواهد بود و زبان‌آموز نباید لزوما نظر شخصی یا مکنونات قلبی خود را بیان کند. به عنوان مثال در جواب این سوال که "خانه شما چند اتاق دارد؟" زبان‌آموز می‌تواند هر پاسخی بدهد، مشروط بر این که پاسخ یک عدد معقول باشد.

یکی دیگر از نکات مهم برای شروع چنین آموزش فشرده‌ای، **شخصی‌سازی مطالب** درسی برای فردی است که برای یادگیری زبان محدودیت زمانی دارد به طوری که بر حسب نیازها و علت اصلی علاقه وی به زبان فارسی، مباحث درسی را طوری ارایه دهیم که در کنار تدریس نامحسوس دستور، حروف و واژگان، مطالب اصلی مورد نیازش را نیز در اختیار وی بگذاریم. مثلا سرفصل‌های درسی برای یک تاجر انگلیسی کاملا متفاوت از یک پزشک آلمانی یا یک خانم خانه‌دار فرانسوی خواهد بود.

یکی دیگر از مسائلی که به دلیل محدودیت زمان باید مدیریت شود، **تقدم و تاخر آموزش مهارت‌های زبانی** است که بسته به نیازهای هر فرد تعیین می‌گردد. از بین مهارت‌های شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن، طبیعی است که نوشتن در چنین آموزشی در مرحله آخر آموزش قرار می‌گیرد اما از میان سه مهارت دیگر، می‌توان با توجه به نیاز زبان‌آموز تقدم و تاخر ایجاد نمود. به عنوان نمونه برای یک بازرگان که بیش‌تر قصد انعقاد قرارداد و اطلاع از مفاد آن را دارد، مهارت شنیدن و خواندن مقدم بر مهارت صحبت کردن است اما برای یک خانم خانه‌دار مهارت شنیدن و صحبت کردن ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

۲-تاثیر سن، موقعیت شغلی و الگوی یادگیری زبان‌آموز

یکی از مزایای تدریس به بزرگسالان، خودآگاهی و انگیزه بالا در یادگیری و خجالتی نبودن غالب آنها است (ورنر) که این مسایل چالشی بزرگ برای تدریس موفق به کودکان به حساب می‌آید. ولی از سویی چالش‌های دیگری پیش روست که ممکن است به روند آموزش صدمه بزند. مشکل این است که توانش زبانی در افراد بزرگسال، کاملا پیچیده است (وایت:۴) و ممکن است تداخل زبانی، مانع از پیشرفت سریع در زبان شود.

در این نوع خاص آموزش زبان، ممکن است زبان‌آموز بسیار مسن‌تر از مدرس و در موقعیت شغلی ویژه‌ای باشد، بنابراین همواره رعایت احترام واجب است. نوع صحبت کردن و رفتار باید متناسب با سن وی باشد و هرگز سیستم آموزشی نوجوان و خردسال در مورد وی اعمال نگردد. صبوری و اشتیاق در تدریس کلید موفقیت در مسیر آموزش است و به خاطر داشته باشیم که زبان‌آموز بزرگسال بر خلاف زبان‌آموز خردسال، در هر لحظه که از کلاس لذت نبرد یا احساس کند که به اندازه کافی از کلاس فایده نمی‌برد، قادر است کلاس را ترک کرده و به دنبال مدرس

دیگری بگردد (زاخاروسکی). پس تدریس باید همواره با لبخند و اشتیاق، شوخ‌طبعی و آمادگی پاسخگویی به شاگردان باشد و به این نکته توجه داشته باشیم که آیا یادگیری زبان آموز بیش‌تر از راه شنیداری است یا دیداری، به این منظور که بتوانیم طرح درس و تمرین‌های مناسبی را طراحی نماییم.

فارغ سن و موقعیت زبان‌آموز، همواره باید عنصر تشویق متناسب با هر فرد را پیدا کنیم چرا که تشویق لازمه یادگیری در هر سنی است. حتی زمانی که قرار است اشتباهات مکرر در مورد یک موضوع خاص گوشزد شود، حتما باید قبل از آن، به توانایی‌ها و نکات مثبت در یادگیری وی اشاره گردد. اصلاح اشتباهات مخصوصا در جلسات اول، تنها زمانی صورت می‌گیرد که واقعا نیاز به آن احساس شود، ولی حتی در این زمان هم نباید برای زبان‌آموز برخورد خورنده باشد.

۳- پیشینه‌های متفاوت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

مطالعه‌ی فرهنگ، تاریخ، سنت‌ها، غذاها و رسوم و اعیاد زبان‌آموز قبل و در طی دوران تدریس به ما کمک می‌کند تا پرسش‌هایمان جنبه تجسس و کنجکاوی به خود نگیرد. ضمن این که به این شکل می‌توان راه را برای کشف نقاط مشترک فرهنگی و ایجاد ارتباطی موثر هموار کرد.

مطالعه‌ی فرهنگ خودی از جمله مطالعه داستان، شعر، تاریخ، مطالب سیاسی، اقتصادی و فرهنگ قومی کمک بزرگی به ارایه اطلاعات درست و به‌روز می‌نماید. در ضمن بهتر است مطالب نوشته شده در مورد ایران و ایرانیان را خصوصا در تارنماها مورد بررسی قرار دهیم تا سوال‌ها و ابهامات احتمالی زبان‌آموز را در این خصوص حتی پیش از مطرح شدن، ارزیابی کرده و پاسخ مناسبی برای آن‌ها داشته باشیم.

توجه و احترام به تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی یکی از مهم‌ترین اصول در ارتباط با زبان‌آموزان است. در مواجهه با چنین مواردی که مغایر یا حتی متضاد با عقاید و فرهنگ ما هستند، هرگز نباید به خوبی یا بدی یک نظر صحنه گذاشت چرا که احترام متقابل ساده‌ترین راه برای جلب اعتماد و پایه‌ریزی یک ارتباط سالم است. احترام به باورهای اعتقادی، مذهبی و فرهنگی حتی اگر مطابق با دیدگاه ما نباشد برایمان لازم است. به عنوان مثال خوردن گوشت خوک یا غذاهای خاص در نقاط مختلف دنیا، باید در نظر مدرس جزئی از فرهنگ یک قوم و قابل احترام شمرده شود. اگر در آمریکا بچه‌های دبیرستانی شروع به کار حتی در فروشگاه‌ها و پمپ بنزین‌ها می‌کنند و گاهی در سن ۱۸ سالگی مستقل می‌شوند اما در ایران بچه‌ها گاهی حتی تا سنین میانسالی و پیش از ازدواج خود در منزل پدر و مادرشان می‌مانند و با آن‌ها زندگی می‌کنند، دلیل بر درستی یا نادرستی یک فرهنگ نیست و در چنین مواردی باید واقع‌گرایانه و بدون از جانب‌داری در مورد موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در هر دو جامعه توضیح بدهیم و قضاوت را بر عهده فرد مقابل بگذاریم.

آشنا کردن زبان‌آموزان با فرهنگ واقعی و دیدگاه و رفتار اجتماعی ایرانیان نکته مهم دیگری است که برای برقراری ارتباط با افراد بومی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. مثلا عدم علاقه‌ی عده‌ای به نگهداری حیوانات خانگی به دلایل مذهبی، وسواس، ترس یا اعتقادات خاص دیگر، درآوردن کفش در بسیاری از منازل یا مثلا چانه‌زنی و تعارف در نگرفتن پول در هنگام خرید مسایلی هستند که حتما باید برای زبان‌آموزان توضیح داده شوند تا هنگام معاشرت با افراد ایرانی دچار مشکل نشوند.

آگاهی از مسایل روز سیاسی دنیا نه به اندازه تفسیر و نقد آن‌ها، که تنها به اندازه‌ای که قادر به صحبت و تبادل

نظر با زبان‌آموز باشیم، کمک بزرگی در مکالمات روزمره می‌کند.

توضیح در مورد تفاوت‌های اقتصادی مورد دیگریست که از سوءتفاهمات جلوگیری می‌نماید. وقتی در موردی خاص تفاوت فاحشی بین کشور زبان‌آموز و کشور ایران وجود دارد، باید به دنبال یافتن توجیه منطقی برای آن باشیم. مثلاً اگر قیمت اتومبیل در کشورهای دیگر بسیار پایین‌تر از ایران است، به مقایسه‌ی قیمت بنزین در دو کشور، هزینه مالیات و گمرک و دیگر عوامل موثر بر قیمت بالای اتومبیل می‌پردازیم. البته همان طور که پیشتر ذکر شد، این مقایسه‌ها باید همواره به دور از تعصب و جانبداری باشند.

در ضمن باید کاری کنیم که زبان‌آموز به دنبال پرسیدن سوال و چالش‌های جدید باشد و این ممکن نیست مگر با بوجود آوردن فضایی صمیمی و امن که در آن هر سوالی به بهترین شکل ممکن، پاسخ داده می‌شود.

۴- تفاوت‌های زبانی و دشواری‌های خط فارسی

دشواری‌های تلفظ در برخی صداها و واژگان: همان طور که تلفظ (th) انگلیسی در کلمات مختلف برای فارسی زبانان مشکلاتی را ایجاد می‌کند، برخی حروف و صداها و صداهای فارسی نیز برای زبان‌آموزان خارجی ایجاد مشکل می‌کند. مثلاً تلفظ "خ" و "آ" و "ر" برای فرانسویان، "ر" و "ل" برای مردم شرق آسیا، "غ" برای انگلیسی‌زبانان از این دست هستند که البته با تکیه بر تکرار و آرایه‌ی نمونه‌های مأنوس در زبان‌های نزدیک به زبان نوآموز، می‌توان این مشکل را برطرف کرد. توجه به این مورد نیز مهم است که ترجیحاً در متون درسی یک فرانسوی از اسم‌های خلیل یا بهار استفاده نکنیم یا اسم راحله برای یک فرد چینی یا غلام‌حسین برای یک انگلیسی‌زبان. مورد دیگری که همواره باید در نظر داشته باشیم این است که از مثال‌های مناسب استفاده کنیم مثلاً برای یک فرانسوی که تکرار حرف "ش" در یک متن به گوشش ناخوشایند و "شین شین کردن" (chuchoter) می‌نماید، از این شعر سعدی برای نشان دادن زیبایی زبان فارسی استفاده نکنیم:

شبست و شاهد و شمع و شراب و شیرینی غنیمتست چنین شب که دوستان بینی

دشواری‌های خط فارسی برای غیرفارسی‌زبانان به علت نوشتن در جهت معکوس نسبت به اغلب خط‌های دنیا، وصل شدن حروف به هم، ربط و اضافه و صداهایی که نوشته نمی‌شوند مثل "و" در "خواستن"، از مهم‌ترین مواردی است که باید همواره در نظر داشته باشیم. تفاوت شکل حروف فارسی با الفبای لاتین و همچنین حروف هم‌آوا ولی متفاوتی که در نوشتار فارسی وجود دارند مانند "ز"، "ض"، "ذ" و "ظ"، شوک دیگری است که باعث عقب‌نشینی و دلدزدگی بسیاری از زبان‌آموزان در ابتدای راه می‌شود که البته می‌توان با تاخیر انداختن در تدریس موارد مشابه، این مشکل را تا حدودی برطرف کرد. بنابراین با در نظر گرفتن زمانی که در اختیار داریم، می‌توانیم به تدریج و به دور از روش‌های سنتی، حروف فارسی را آموزش دهیم.

۵- دیدگاه‌ها یا تجربه‌های زبان‌آموزان در مورد مردم ایران

تصورات و شنیده‌های زبان‌آموزان در مورد وضعیت معیشتی، پزشکی و فرهنگی مردم ایران از بزرگترین مشکلات در آغاز راه هستند. برخورد نامناسب برخی رانندگان تاکسی فرودگاه، گرفتن کرایه‌های نامتعارف، مشکلاتی که عده‌ای از افراد خدماتی در منازلشان به طمع دلار بیش‌تر به وجود آورده‌اند، گران‌تر فروختن اجناس به خارجی‌ان و عدم اطمینان به کادر پزشکی، همه و همه مشکلاتی هستند که قطعاً در هر کشوری ممکن است برای خارجی‌ان اتفاق

بیفتند ولی با توجه به عدم آگاهی و گاه تبلیغات سوء در رسانه‌های خارجی، این مشکلات به معضلی برای تمایل به یادگیری زبان فارسی و ارتباط با مردم مبدل می‌شود.

در چنین مواردی توجیه غیرمنطقی و جانبدارانه مثال تیشه‌ای بر ریشه‌ی اعتماد است. شاید مناسب‌ترین واکنش دادن یادآوری احتمال بروز این مشکل در بیش‌تر جوامع باشد. از سویی دیگر معرفی اماکن معتبر برای خرید یا گرفتن تاکسی و همین‌طور پیشنهاد آرایه‌ی کمک و حتی حضور در موارد خاص مثلا در زمان بروز مشکلات پزشکی یا هنگام عقد یک قرارداد رسمی، می‌تواند گام موثری در رفع نگرش منفی آنان باشد.

۶- نیاز به کسب اطلاعات لازم در زمینه‌هایی که مد نظر زبان‌آموزان هستند

مدرس زبان فارسی، مانند هر مدرس دیگری باید همواره در مسیر آموختن و پیشرفت باشد. این بدین معنی است که نباید در چارچوب دانسته‌های قبلی خود باقی بماند. بنابراین باید تا حد امکان تلاش نماید که سطح اطلاعات خود را خصوصا در مواردی که مورد نیاز زبان‌آموزان است بالاتر ببرد. به عنوان مثال اگر زبان‌آموز تاجری است که قصد مراودات تجاری دارد، مطالعه‌ی اصطلاحات بازرگانی، حقوقی و علمی رشته مورد نظر زبان‌آموز به مدرس کمک موثری در تدریس هدفمند می‌نماید.

۷- محدودیت در زمان تمرین و تکرار

همان‌طور که قبلا نیز اشاره شد، در این نوع تدریس چون غالبا با زبان‌آموزان بزرگسال و بسیار پر مشغله روبرو هستیم، انتظار انجام تمرین‌های مداوم و صرف وقت طولانی برای تکرار مطالب درسی غیرمنطقی به نظر می‌رسد. بنابراین تمرین‌ها باید طوری طراحی و آماده شوند که در کمترین زمان ممکن توسط زبان‌آموز انجام شوند و بیش‌ترین بازده را داشته باشند. گرفتن امتحان در مورد چنین زبان‌آموزانی برایشان گاهی تنش‌زا و بچه‌گانه به نظر می‌رسد. پس باید به دنبال روش‌های ارزیابی نامحسوس‌تری باشیم. به عنوان مثال در آغاز هر جلسه می‌توان با سوال‌هایی هدفمند و از پیش طراحی شده، ضمن احوال‌پرسی موضوع جلسات قبل را مرور کرد. فرض می‌کنیم که قبلا در مورد اعداد فارسی و روزهای هفته صحبت کرده‌ایم. برای مرور می‌توانیم سوالات زیر را مطرح کنیم:

۱- این هفته چند بار خرید رفتی؟

۲- چه روزهایی بیش‌تر وقت داری که درس بخونی؟

۳- امروز چند دقیقه تمرین کردی؟

۴- کلاس بعدی چه روزی باشه؟

در این مرحله حتی زمانی که دانش زبان‌آموزان در مورد زبان فارسی ناقص است، باید سعی کنیم باز هم فعالانه در امر انتقال معنا و فهماندن منظور خود، در بحث شرکت کنند. (فهمیم-حقانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱)

انتخاب و معرفی فیلم سینمایی و مستند مناسب و ساده به زبان‌آموزانی که هوش بصری/فضایی دارند، کمک می‌کند که بیش‌تر در معرض زبان قرار گیرند (فهمیم-حقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰) و در عین حال این انتخاب را خواهد داشت که آن‌ها را در فرصت مقتضی مرور کند. استفاده از متون کوتاه ترجیحا مصور نیز کمک بزرگی به شمار می‌آیند مشروط بر این که به زبان فارسی امروز و با فارسی معیار نوشته شده باشند.

سفرهای آموزشی، فعالیت‌های عملی و پانتومیم نیز به افرادی کمک می‌کند که هوش جسمانی/حرکتی دارند (فهیم-حقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰) و از نشستن دایم در کلاس لذت نمی‌برند. این روش خصوصا در مورد کسانی که فقط قصد صحبت کردن و خرید را دارند، موثر عمل می‌کند.

تعیین تمرین متناسب با فواصل جلسات آموزشی و شغل زبان‌آموز به شکلی که زبان‌آموز از انجام آن‌ها بازماند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که در آموزش فشرده، امکان و فرصت مرور مکرر درس‌ها در هر جلسه وجود ندارد و لازم است زبان‌آموز بر مطالب قبلی مسلط باشد تا بتوان با مروری مختصر، تدریس هر جلسه را بدون دغدغه و فشار آغاز کرد.

به طور کلی در این نوع آموزش هدفمند و فشرده، آنچه بیش از دستور و واژگان اهمیت دارد، ایجاد اعتماد به نفس جهت ارتباط و حضور در جمع فارسی‌زبانان است.

حتی در این راه ممکن است لازم شود زبان‌آموز به گروهی از ایرانیان معرفی شود که مثلا همکار وی هستند یا حداقل علایق مشترکی دارند. هم چنین حضور زبان‌آموز در نمایشگاه‌های هنری، کنسرت‌ها و تئاترهای موزیکال نیز می‌تواند علاوه بر معرفی هنر ایران، پنجره‌ای جدید به سوی واقعیت جامعه برایش بگشاید که شاید فرسنگ‌ها دور از تصور وی باشد.

منابع

بانان صادقیان، جلیل (۱۳۷۶)، *فارسی برای غیرفارسی‌زبانان*، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

لارسن-فریمن، دایان/ اندرسون، مارتی (۱۹۴۶)، *اصول و فنون آموزش زبان*، [مترجمان] فهیم، منصور/ حقانی، مستانه، تهران، انتشارات رهنما.

Verner, Susan, *What every teacher of adults ESL students need to know*, <https://busyteacher.org/10366-what-every-teacher-adult-esl-students-needs-know.html>

White, Lydia (1989), *Universal Grammar and Second Language Acquisition*, John Benjamins Publishing Company.

Zakhareuski, Andrei, *15 Secrets to teaching adults*, <https://busyteacher.org/7273-teach-adults-15-secrets.html>